

تاریخ ۴۰۰ ساله سیرجان در راه تهران

شهر بی سند



عکس: پاسارگاد

افراد ارزشمند این حوزه هستند. بیش از ۳۰ جلد کتاب نوشته‌اند و از کارشناسان خبره این اسناد هستند»

«خداوند حاج آقا مرعشی نجفی را رحمت کند. ایشان یکی از مراجع تقلید بزرگ شیعیان بودند. من با ایشان نیز در ارتباط بودم. گاهی برای ترمیم اسناد، به کتابخانه ایشان مراجعه می‌کردم. ۳۰ یا ۴۰ سال پیش بود و من هنوز کم‌سن‌وسال می‌گرفتم و اسناد را جهت بررسی با ترمیم به کارشناسان می‌داد. همین موضوع زمینه آغاز ارتباط ما بود. ایشان من را به جمع‌آوری اسناد تشویق می‌کرد. آقای مرعشی نیز در کار جمع‌آوری اسناد بودند و این کار را با سختی نیز انجام می‌دادند. در خاطراتشان آمده که در کارخانه برنج کوی بغداد کار می‌کرد و همیشه با حذف یک یا دو وعده غذا، این اسناد را می‌خرید. امروز نیز کتابخانه ایشان، یکی از بزرگ‌ترین کتابخانه‌های جهان اسلام است. در خاطرم هست که سال ۶۸ اصل کتاب خواجه علی‌سید سیرجانی را در کتابخانه ایشان دیدم و برایم جالب بود چگونه توانسته‌اند این کتاب متعلق به قرن هفت را پیدا کنند. تمام این مسائیل مشوق‌های من در جمع‌آوری اسناد بودند»

او توضیح می‌دهد: «بیش از ۶۰ هزار سند شامل مباحثه‌نامه، وقف‌نامه، عقدنامه، مصالحه‌نامه، حکام و فرامین پادشاهان و امرا، مکاتبات عالی، اسناد تجاری و هرآن‌چه مربوط به زندگی مردم می‌شده را از حدود ۴۰۰ سال پیش تا امروز جمع کرده‌ام. البته قدیمی‌ترین سندی که به سازمان اسناد کشور هدیه دادم، سندی مربوط به دوره ساسانی است که روی پوست و طبیعتاً به خط آن دوره نوشته شده.»

اسدی از نشانان اسناد در سیرجان ناراحت است و از مسئولان شهرستان گلایه دارد: «دلم می‌خواستم این اسناد در سیرجان یا حداقل استان بمانند. نامه‌نگاری‌های زیادی نیز انجام

گروه فرهنگ

۳۰۰ هزار سند متعلق به سیرجان به سازمان اسناد و کتابخانه ملی تحویل داده شده و ۳۰ هزار سند دیگر نیز به زودی تحویل داده خواهد شد»

آن‌چه خواندید، بخشی از سخنان محسن اسدی، فعال فرهنگی شهر است و دلیل این گفت‌وگو، از محسن اسدی به عنوان یک محقق و پژوهشگر تاریخ و کلکسیونر اسناد تاریخی یاد می‌شود. اسدی به گفته خود، بیش از ۳۵ سال از عمر خود را صرف جمع‌آوری اسناد مربوط به شهر سیرجان و استان کرمان نموده و حاصل این جست‌وجوی مدام ۳۵ ساله، ۶۰ هزار سند است و ۴۰۰ سال تاریخ این شهر را در برمی‌گیرد. مسئولان شهر اهمیتی به این تاریخ ندادند، به حال اسناد در حال خروج از سیرجان هستند. به عبارت دقیق‌تر، ۳۰ هزار سند تاکنون از سیرجان خارج و به سازمان اسناد کشور تحویل داده شده و ۳۰ هزار سند دیگر نیز به زودی تحویل داده خواهد شد تا شهر سیرجان، پاک از هرگونه سند نباشد.

اسدی سخنان خود را با ماجرای پیدایش علاقه به جمع‌آوری اسناد شروع کرد: «از همان ایام نوجوانی، علاقه مفراطی به جمع‌آوری اسناد تاریخی داشتم. خانواده ما، جزو خانواده‌های ملا مکتب‌دار در مکی آباد و زیدآباد بودند. از طرفی جد پدری ما نیز به پیغمبر دزدان معروف است که مرحوم اسناد باستانی پاریزی نیز کتابی از شرح احوال ایشان نگاشته است. در گذشته مردم برای نگاشتن اسناد خود، به مکتب‌داران و یا سایر افراد باسوادی رجوع می‌کردند که در این کار مهارت داشتند. در جعبه‌ای که متعلق به یکی از اجداد من بود، تعداد اندکی از این اسناد وجود داشت و من به واسطه آشنایی با کتاب‌های اسناد باستانی پاریزی، با این اسناد آشنا شدم و هرجا سندی می‌دیدم، یا می‌خریدم و یا به من اهدا می‌شد. بیش از ۳۵ سال مشغول خریدن و جمع‌آوری این اسناد بودم. به قول معروف، عمر، سرمایه و جوانی‌ام را سرجمع‌آوری این اسناد گذاشتم. من هرکجای کشور اگر سندی مربوط به سیرجان یا استان کرمان پیدا می‌کردم، می‌خریدم»

اسدی می‌گوید: «بالغ بر ۶۰ لی ۷۰ هزار سند تاریخی از منطقه استان کرمان جمع‌آوری کردم. اسناد بسیار باارزشی نیز بودند. این را می‌توانید از کارشناسان سازمان اسناد کشور پرسیبید؛ به خصوص دکتر روستایی که یکی از کارشناسان بزرگ سازمان اسناد و کتابخانه ملی و یکی از

می‌شوند. آقای اصغر حدیدی به عنوان نماینده دانشگاه آزاد، دو بار قول همکاری داد اما به دلایلی که متوجه نشدم، کار انجام نشد.» او می‌گوید: «در سال ۱۳۹۵، بالغ بر ۱۲ هزار سند را تحویل دادم. البته تمام اسناد اهدایی نبودند و مبلغی در ازای‌شان دادند که در مقابل ارزش واقعی اسناد، بسیار ناچیز بود. مهرماه ۹۸ حدود ۱۰ هزار سند و خرداد امسال نیز حدود ۸ هزار

دادم منتهای مراتب نتیجه‌ای نگرفتم. بارها با نماینده و فرمانداران دوره‌های مختلف صحبت کردم اما جواب درستی نمی‌گرفتم. حتی در آخرین جلسه‌ای که با مسئولان دانشگاه آزاد داشتم، قول دادند این اسناد را تحویل گرفته و مکانی برای‌شان فرام کنند اما به جایی نرسید. در دانشگاه‌های کشور، مرکز اسناد وجود دارد که از کتاب‌های خطی تا اسناد در آن نگهداری

پیش تا امروز جمع کرده‌ام. البته قدیمی‌ترین سندی که به سازمان اسناد کشور هدیه دادم، سندی مربوط به دوره ساسانی است که روی پوست و طبیعتاً به خط آن دوره نوشته شده.»

اسدی از نشانان اسناد در سیرجان ناراحت است و از مسئولان شهرستان گلایه دارد: «دلم می‌خواستم این اسناد در سیرجان یا حداقل استان بمانند. نامه‌نگاری‌های زیادی نیز انجام

نام آهن، معطوف به اراده آهنین ما است

پاسارگاد

مدتی پیش، فراخوان جایزه ادبی آهن در فضای مجازی منتشر شد. جایزه‌ای که بسیاری به تصور دوره قبلی، آن را سومین دوره رقابت اهالی داستان‌نویسی سیرجان می‌دانستند. اما در گفت‌وگو با مدیر این جایزه متوجه دو تفاوت شدید



این مسابقه را برگزار می‌کنند.

به مناسبت اولین سالگرد درگذشت مرحوم حاج اسدالله عسگر اولادی؛

آشنایی با زندگی نامه‌ی سلطان صادرات پسته ایران

سال ۱۳۳۶ حیره‌ای در سرای امید به نام تجارخانه عسگری گرفت و تجارت را با خرید و فروش زیره شروع کرد.

نوجوانی خود آقای محمدحسن شمس‌فرد شریک شد و تجارخانه «عسگری» به تجارخانه‌ی «حساس» تغییر نام داد. (حساس از به هم وصل شدن دو حرف ابتدایی نام شرکا است) این شرکات تا پایان عمر حاج اسدالله بیش از ۶۰ سال ادامه داشت که در نوع خود در ایران بی‌نظیر است. سلطان صادرات پسته ایران، پشتکار بسیار بلایی داشت و محصولات مختلفی مانند زیره، پنبه، خرم، مغز هسته زردآلو، گردو، کتیرا، اقما، کشمش، زعفران، تخم شبنور و رواس به اقفا نقاط دنیا صادر می‌کرد.

او مدتی بعد زمینی در مشهد خریداری و اولین کارخانه‌ی زیره را تاسیس می‌کند. تمام کشاورزان زیره‌های خود را به کارخانه می‌آوردند و رسید دریافت می‌کردند. این رسیده‌ها قابل انتقال به غیر بود و هرکس با داشتن رسید و به میزان نوشته شده در رسید، زیره‌ی پاک‌کرده و آماده از کارخانه دریافت می‌کرد. بدین شکل حاج اسدالله اولین بورس خصوصی زیره را راه‌اندازی کرد. با گذشت مدتی از کار در تجارخانه، به دلیل اعتماد، اعتبار و امانت‌داری‌اش به وی لقب «سلطان زیره» را دادند. به‌طوریکه در نیویورک بورس به نام بورس ادویه بود. این بورس روزانه قیمت زیره را از تگراف شرکت «حساس» دریافت می‌کرد و معاملات شروع می‌شد. این بود که شرکت «حساس» به نام «سلطان زیره» شناخته شد. عسگر اولادی همان‌زمان کارخانه برگه زردآلو را در شاهرود تاسیس کرد. با ورود خشکسالی به کشور، خیلی از محصولات کشاورزی صادراتی کم شد و فقط برای مصرف داخلی کاربرد داشت. به همین دلیل عسگر اولادی کار خا به شاهرود را تعطیل و تبدیل کرد.

حاج اسدالله بعد از مدتی پسته را وارد سید صادراتی خود کرد و اولین بار تجارت پسته را از آقای مرشد در سرای امید آموخت و

کر بلای حسین و آمنه خانم در ۱۵ اسفند ۱۳۱۲ در تهران، خیابان سیروس، کوچه حمام گلشن به دنیا آمد. پدرش مغازه‌ی عطاری داشت و مادرش دختر حبیب‌الله توسلی از تجار دماوند بود.

او سال‌های دبستان را در دماوند گذراند. زمانی که کلاس اول دبستان بود، به علت هوش بسیار زیادی که داشت معلمش او را به کلاس سوم برد. در آن سال‌ها به علت جنگ جهانی، پدرش ورشکست شد و به تهران آمدند. اسدالله ۱۲ سالش بود، روزها پیش دایی‌اش امیرعبدالله توسلی، از تجار نامدار و معتمد که در صادرات سالامبور و پوست فعالیت داشت، کار می‌کرد و مدرسه شبانه درسش را در می‌خواند. در آن روزها به علت کمبود و گرانی کاغذ، مشق‌هایش را روی پیت حلبی می‌نوشت و برای حفظ آرامش و آسایش خانواده در هنگام خواب، درس‌هایش را زیر نور چراغ خیابان می‌خواند. در سال ۱۳۲۷ پدر خود را از دست داد و نان‌آور خانواده شد. زنده‌یاد عسگر اولادی در زمان فوت پدر، ۱۴ ساله بود. گویی نیکی کردن و صداقت و تلاش بی‌وقفه را از پدر خود به ارث برده بود.

بعد از اتمام دوره‌ی دبیرستان وارد رشته‌ی ادبیات انگلیسی در دانشگاه تهران شد. به مطالعه و آموختن بسیار علاقه‌مند بود. هم‌زمان در کلاس‌های دانشکده اقتصاد و فیزیک هم شرکت می‌کرد.

فعالیت‌های تجاری عسگر اولادی بعد از اتمام دانشگاه و گرفتن لیسانس ادبیات انگلیسی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۳۴ تصمیم گرفت از دایی خود جدا شود. در سن ۲۱ سالگی برای شروع استقلال کاری، به اتاق بازرگانی رفت تا کارت بازرگانی بگیرد. به علت کم بودن سن‌اش نایب‌رییس اتاق بازرگانی از او امتحان گرفت و او را برای گرفتن کارت واجد شرایط دانست. وی در

عرصه تلاش بسیار زیادی کرد. به حق می‌توان ایشان را پدر صادرات پسته ایران نامید از اوایل قرن ۱۳۰۰ شمسی به این کار اقدام کردند. از شاخص‌ترین خانواده‌های کوشا در این زمینه، خانواده‌های: آگاه، امین، عسگر اولادی، جدیدی، هرندی و... را می‌توان نام برد که شادروان اسدالله عسگر اولادی در این

توسعه صادرات پسته ایران را بی‌تردید باید مدیون چند خاندان بزرگ دانست که

از اوایل قرن ۱۳۰۰ شمسی به این کار اقدام کردند. از شاخص‌ترین خانواده‌های کوشا در این زمینه، خانواده‌های: آگاه، امین، عسگر اولادی، جدیدی، هرندی و... را می‌توان نام برد که شادروان اسدالله عسگر اولادی در این

توسعه صادرات پسته ایران را بی‌تردید باید مدیون چند خاندان بزرگ دانست که از اوایل قرن ۱۳۰۰ شمسی به این کار اقدام کردند. از شاخص‌ترین خانواده‌های کوشا در این زمینه، خانواده‌های: آگاه، امین، عسگر اولادی، جدیدی، هرندی و... را می‌توان نام برد که شادروان اسدالله عسگر اولادی در این

توسعه صادرات پسته ایران را بی‌تردید باید مدیون چند خاندان بزرگ دانست که از اوایل قرن ۱۳۰۰ شمسی به این کار اقدام کردند. از شاخص‌ترین خانواده‌های کوشا در این زمینه، خانواده‌های: آگاه، امین، عسگر اولادی، جدیدی، هرندی و... را می‌توان نام برد که شادروان اسدالله عسگر اولادی در این

توسعه صادرات پسته ایران را بی‌تردید باید مدیون چند خاندان بزرگ دانست که از اوایل قرن ۱۳۰۰ شمسی به این کار اقدام کردند. از شاخص‌ترین خانواده‌های کوشا در این زمینه، خانواده‌های: آگاه، امین، عسگر اولادی، جدیدی، هرندی و... را می‌توان نام برد که شادروان اسدالله عسگر اولادی در این

اما چون قیمت‌هایی که سازمان اسناد تعیین می‌کند، بسیار اندک هستند، مردم اسنادشان را نمی‌فروشند»

اسدی از زوال موجود در کشور نیز انتقاد می‌کند. روالی که به دلایلی موجب می‌شود سندداران، به جای ارایه به مراکز نظیر سازمان اسناد، آن را در نزد خود نگاه دارند یا به دنبال فروش آن به خارجی‌ها باشند؛ «خیلی از اسناد نابود شده‌اند و سند زیاد و چندان به دردبخوری نمانده است.»

اسدی برای نشان دادن سابقه دیرین سیرجان در بی‌توجهی به اسناد، خاطره‌ای از دوران ۱۰ سالگی خود تعریف می‌کند: «خاطرم است گونی گونی اسناد را می‌بردند وسط کاروانسرای سیرجان و می‌سوزاندند که من توانستم حدود هزار تا از آن اسناد را نجات دهم که جزو همان‌هایی بودند که به سازمان اسناد دادم و همه نیمه‌سوخته بودند.»

اسناد را به گونه‌های مختلف می‌توان دسته‌بندی کرد. مثلاً براساس تاریخ کلی، وقایع مختلف و یا محتوای اسناد. سیرجانی، نکته آخر زمانی به خاطر متبادر شد که اسدی از سندی متعلق به خاندان خود یا چنان‌که در سند ذکر شده، «بنی‌اسد» صحبت می‌کرد: «این سند، حکمی است که شاه عباس صفوی داده. در سند آمده آن‌که چون طایفه کرام بنی‌ابوالفضل اسدی که شیخ بزرگوار ایشان، حبیب‌بن‌مظاهر از اصحاب کبار حضرت سید الشهدا بود که در واقعه کربلا در رکاب آن حضرت به شرف شهادت فائز گردید... و بعد از آن که لشکران تن‌های شهدای شهدا را برهنه و عریان در آن صحرا مجروح نمودند، همین قبیله اجساد مطهره شهدا را دفن نمودند و به ازای این خدمت، این طایفه ناجی را احرار نامیدند... این سند معافیت مالیاتی طایفه بنی اسد است. حدود ۴۰ عدد از اسنادی که جمع‌آوری کرده بودم، متعلق به طایفه اسدی بود.»

احتمالاً اختصاص موزه‌ای به تاریخ طایفه‌های سیرجان نه تنها می‌توانست موجب حفظ اسناد سیرجان شود که بانی برای آشنایی نسل جدید با تاریخچه خود و با طایفه‌های تنیده در تاریخ این شهر بود و چه بسا، موجب می‌شد سایر اسنادداران شهر، بر سر ذوق آمده و اسناد خویش را به این موزه اهدا کنند و بدین ترتیب، محلی برای کاوش و آگاهی تا حداقل عمق ۴۰۰ ساله این شهر به دست می‌آید اما نه تنها این اتفاق نیفتاده که تاریخ ۴۰۰ ساله این شهر، در حال رفتن به تهران است.

عسگر اولادی

عسگر اولادی کلمه تجارت را اینگونه تفسیر می‌کرد: «تجارت از تجربه، جرات، رحمانیت بر مبر مشتريان، اعتماد به نفس و توکل به خدا تشکیل شده است.» وی معتقد بود تلاش و توکل به خدا و درستکاری و مطالعه دلیل موفقیت است و همیشه سه جمله‌ای را که در زیر مجسمه دیوبند راکفلر بانکدار معروف آمریکایی که در نیویورک خوانده بود را مد نظر داشت: «زودتر از دیگران مطلع شیب، زودتر تصمیم گرفتیم و وقتی تصمیم گرفتیم چشم خود را بستیم و عمل کردیم.»

عسگر اولادی در انجام امور خیریه

پیش‌قدم بود از حاج اسدالله عسگر اولادی یادگاری‌های زیادی به جا مانده است. از جمله امورات خیریه حاج اسدالله عسگر اولادی می‌توان به ساخت درمانگاه مدرسه و مساجد و کمک به فقرا ... اشاره کرد. نام بردن تمام امور خیریه انجام شده توسط وی و موسسه عام‌المنفعه عسگر اولادی بیش از این‌ها است. کمک به مساجد در شهرها و روستاهای مختلف دنیا (که به آنجا سفر کرده بود) از دیگر اقدامات وی به شمار می‌رود. وی در سال ۱۳۴۰ اولین سفر حج خود را به همراه مادرش تجربه کرد و تا پایان زندگی‌اش بیش از ۲۰۰ بار به سفر حج و عمره رفت. وی در سال ۱۳۴۱ با دختر دایی خود طاهره‌خانم توسلی ازدواج کرد که حاصل این ازدواج ۵ فرزند است. دو پسر به نام‌های امیرعلی و امیررضا و سه دختر از وی به یادگار مانده است. فرزندان وی نیز تلاش و کوشش و خیرخواهی در زندگی را فراموش نکرده‌اند. می‌توان گفت که انجام امور خیریه، صداقت و تلاش و پشتکار در خاندان عسگر اولادی باقی مانده و خواهد ماند.

فرزندان عسگر اولادی نیز در زمینه تجارت فعالیت دارند و شرکت‌های حساس و درخت الماس سبز توسط آن‌ها اداره می‌شود. این شرکت‌ها هم‌اکنون فعالیت درخشانی دارند و بیشترین صادرات پسته کشور را انجام می‌دهند. اسدالله عسگر اولادی، مردی که با تلاش و زحمات خود انقلابی بزرگ در عرضه صادرات غیر نفتی کشور ایجاد کرد، سرانجام در ۸۶ سالگی در ۲۲ شهریور سال ۱۳۹۸ ایام عزاداری سید و سالار شهیدان حضرت اباعبدالله‌الحسین(ع)، در اثر سکته قلبی به دیدار حق شتافت.

ایران عزیز مدال «امین‌الضرب» را دریافت کرد.